سه نامه از محدث نوری به علامه سید ناصر حسین

تصحیح و مقدمه : عبدالحسین طالعی*

چکیده : محدّث بزرگ شیعه،میرزاحسین نوری طبرسی (۱۲۵۴ ـ ۱۳۲۰ ق.) در کنار تلاش‌های گرانقدر خود برای بازیابی و شناسایی کتاب‌های شیعهٔ امامیه، روابط علمی گسترده‌ای با علامه میرحامد حسین کُنتوری (۱۲۴۶ ـ ۱۳۰۶ ق.) و پس از او با فرزندش سید ناصر حسین (۱۲۸۴ ـ ۱۳۶۱ ق.) داشت. وی در تهیهٔ منابع برای تالیف و تکمیل کتاب نفیس «عبقات الانوار» (که در اثبات امامت ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام است) به آن دو دانشمند بزرگ کمک می‌کرد. دراین گفتار، متن سه نامه از محدث نوری به سید ناصر حسین، با تحلیل وتوضیح، آمده است این نامه‌ها برای نخستین بار منتشر می‌شود.

کلید واژه‌ها : نوری طبرسی، میرزا حسین / کنتوری، سید ناصر حسین / کنتوری، میرحامد حسین / کتابشناسی. شیعه / عبقات الانوار /طباطبایی یزدی، سید عبدالعزیز.

۱ ـ مقدمات

۱ ـ ۱. زمینه ها

در حدود سال ۱۳۷۰، که برای کسب فیض به محضر سیّد المحققین علامّه سید عبدالعزیز طباطبایی یزدی قدّس سرّه مشرّف می‌شدم، روزی معظمّ له به بیان خاطرات خود از فرهنگ بانانِ حوزهٔ علمیهٔ دیرسال نجف پرداخت، وگوشه‌ای از تلاش‌های آنان در حفظ مواریث حدیثی شیعی از تلف و نابودی را بازگفت .

آن بزرگ مرد، از بزرگ مردانی همچون میرزا محمد علی اردوبادی، سید عبدالرزاق

---

* ـ کارشناس ارشد رشته کتاب داری و اطلاع رسانی

مقرم، شیخ محمد سماوی، شیخ شیر محمد همدانی،[1] شیخ آقابزرگ تهرانی و شیخ عبدالحسین امینی یاد می‌کرد. نمونه‌هایی از زهد، ایثار، تلاش، خلوص، ثبات قدم، تحمّل دشواری‌های زندگی، ناشنیده گرفتنِ زخمِ زبان‌ها، دین باوری و گذشتنِ آن بزرگواران از دام نان ودامِ نام را بیان می‌داشت.

محقق طباطبایی می‌گفت: اینان با داشتن چنان روحیات و اخلاقی، توانستند بسیاری از نسخه‌های کهن حدیثی را شناسایی کنند، از روی کاغذهایی فرسوده و شکننده استنساخ کنند، به تصحیح و مقابله و توضیح مشکلات آنها بپردازند، تحقیقاتی جدید بر مبنای آنها سامان دهند، و بدین ترتیب، این امانت‌ها را به نسل‌های پس از خود برسانند.

این تلاش‌ها در زمانی انجام می‌شد که نه تنها افکار عمومی عوام مردم، بلکه حتّی فضای علمیِ حاکم بر خواصّ ودانشمندان، این کارهارا بی حاصل و بی فایده می‌دانست. یعنی نه تنها تشویقی به این بزرگان نمی‌رسید، بلکه تیغ زبان از هر سو بر آنان می‌گشودند.

محقق طباطبایی از روزهای گرم تابستان‌های نجف یاد می‌کرد که درس‌های حوزه تعطیل بود واکثر اساتید و طلّاب برای فرار از آن گرما به دیگر مناطق عراق ـ از جمله کوفه ـ می‌رفتند. امّا محقّقان ومحّدثان یاد شده می‌گفتند: فرصت کم است و مواریث فرهنگی پیشینیان، فراوان. باید آنهارادریافت .

درعین حال، گرمای تابستان نجف طاقت فرسا بود وامکانات رفاهی وجود نداشت. اینان ناگزیر به زیر زمین خانه (سرداب) پناه می‌بردند که تا حدّی از شدّت گرما کاسته شود. امّا مشکل در آن بود که عمق سرداب‌های نجف، خنک بود ونور نداشت. و در پله‌های میانی، که نور کمی بیشتر بود، از گرمای طاقت فرسا در امان نبودند. مرحوم طباطبایی می‌گفت: بارهااین بزرگ مردانِ فداکار را دیده بودم که برای استفاده از فرصت در آن وضعیت، لباسی سبک می‌پوشیدند ودرحالی که عرق از سر و روی شان می‌ریخت، به استنساخ و تحقیق وتصحیح متون حدیثی اشتغال داشتند.

وقتی سخن محقق طباطبایی به اینجا می‌رسید، لحن سیّد بزرگوار عوض می‌شد، سر

---

۱ ـ در باره مرحوم شیخ شیر محمد همدانی و تلاش‌های خستگی‌ناپذیر او در جهت حفظ و احیاء آثارگرانقدر امامیه، رجوع شود به مقاله «مثابرة أعلام الامامیة فی حفظ و احیاء تراث الطائفة: الشیخ الهمدانی نموذجاً» نوشته محمد باقر انصاری زنجانی، در فصل نامه تراثنا، شمارهٔ ۷۳ و ۷۴، ص ۱۲۵ ـ ۲۱۵.

به زیر می‌انداخت و می‌گفت: «من ازاینان شرمنده‌ام، که با حدّاقل امکانات آن روز، چه کارهای بزرگی کردند. امّامن، با این همه امکانات رفاهی و ابزارهـای ارتـباطی، کـاری درخورِ وظیفه نکرده‌ام».

این گونه سخنان، آتشی از شوق درجانِ این ناچیز می‌انداخت که برای حفظ مواریث آن عزیزان ـ یعنی مشعل هدایت ثقلین ـ باید بیش از اینها کوشید و اندیشید و جهت نشان داد و راه پیمود .

در این میان، آشنایی با گوشه هایی از حیات پر برکت بزرگ مجاهدی بی بدیل، خاتم المحدّثین، میرزا حسین نوری طبرسی (۱۲۵۴ ـ ۱۳۲۰ قمری) بار دیگـر آن فـضارا در ذهن، تازه می ساخت.این مقدّمات، به نگارش کتابی تحت عنوان «علامه محدث نوری» (حدود ۴۰۰ صفحه) و گفتاری در مقدمهٔ «آداب زیارت» (حدود ۷۰صفحه) انجامید. امّا تحقیقات در مورد محدّث نوری ادامه یافت و مطالب واسنادی دربارهٔ آن عالم کم نظیر به دست آمد، از جمله عکس سه نامه از محدّث نـوری بـه مـرحـوم سـید نـاصر حسـین نیشابوری (فرزند دانشمند علامه میر حامد حسین نیشابوری صاحب عبقات الانوار)، که در ادامهٔ این گفتار، متن کامل آن‌ها همراه با تعلیقات کوتاه خواهد آمد.

باید در همیـن جا، لطف جناب حجةالاسلام حاج شیـخ علـی اکبـر الهی خـراسانی را ـ که عکس این نامه‌ها رادر سال ۱۳۷۹ در اختیار نگارندهٔ این سطور قرار داد ـ سـپاس گزارم .

۲ ـ ۱. دربارهٔ محدّث نوری

محدّث نوری در روز ۱۸ شوال ۱۲۵۴ در روستای «یالو» ـ در منطقهٔ مازندران ـ دیده به جهان گشود. پدر بزرگوارش میرزا محمد تقی نوری، از بزرگترین علما و فقهای زمان قاجار بود، که دهها کتاب از آثار او، زینت بخش کتابخانه‌های عمومی و شخصی است. فرزندان میرزا محمد تقی (میرزا هادی، میرزا علی، میرزا حسن، میرزاقاسم) ونیز داماد ایشان (مولی عباس نوری پدر شیخ فضل الله نوری)، جمعی دیگراز فقیهان ودانشمندان این خانواده به شمار می‌آیند. (علامه محدث نوری، ص ۵۷ـ۶۹).

محدث نوری، در هشت سالگی پدر را از دست داد. در اوان بلوغ، به ملازمت مولی محمد علی محلاتی در آمد و در سال ۱۲۷۳ بااو به نجف رفت .در سال ۱۲۷۸ به درس شیخ عبدالحسین تهرانی حاضر شد و در سالهای اقامت کربلا و کاظمین او را همراهی

کرد. در سال ۱۲۸۰، اواخر عمر شیخ مرتضی انصاری به درک محضر ایشان نائل شد. پس از آن درحلقهٔ درس میرزا محمد حسن شیرازی حضور یافت و در سال ۱۲۹۲ در پی مهاجرت آن فقیه بزرگ به سامرا، همراه با جمعی از شاگردان ایشان به سامرا رفت، که تا سال ۱۳۱۴ (دو سال پس از رحلت میرزای شیرازی) در آن شهر اقامت داشت. پس از آن به نجف بازگشت که تا آخر عمر مبارک خود (۲۷ جمادی الثانی ۱۳۲۰) در آن دیار به سر برد و عاقبت در جوار مولایش امام امیر المؤمنین علیه‌السلام آرمید.(همان، ص ۲۵ ـ ۳۰)

محدث نوری، علاوه بر بزرگان یاد شده، از محضر شیخ عبدالرحیم بروجردی، مولی فتحعلی سلطان آبادی، سید مهدی قزوینی، مولی علی تهرانی و میر محمد هاشم خوانساری نیز درس علم وعمل وایمان آموخت. (همان، ص ۷۳ ـ ۷۴) او در زمان زعامت میرزای شیرازی، نزد آن جناب، رتبه‌ای والا داشت و بسیار مورد اعتماد استاد بود، تا آنجا که چند کتاب خود (ازجمله: نجم ثاقب، بدر مشعشع) را به امر استاد نگاشت. در قضایای اجتماعی مانند ماجرای تحریم تنباکو و خدمات اجتماعی میرزای شیرازی در سامرا، محدث نوری رکن اساسی به شمار می‌رفت. (همان، ص ۱۸۳ـ۱۸۴) از مهم‌ترین آثار محدّث نوری، می‌توان نام برد:

ـ درزمینهٔ حدیث: مستدرک الوسائل

ـ در زمینهٔ دعاو زیارات: تحیة الزائر، سلامة المرصاد، الصحیفه الثانیة العلویهٔ، الصحیفة الرابعة السجادیة.

ـ در زمینهٔ اخلاق: معالم العبر، کلمهٔ طیبه، لؤلؤ و مرجان .

ـ در زمینهٔ رجال و تراجم و کتابشناسی: خاتمه مستدرک الوسائل، الفیض القدسی، مواقع النجوم، نفس الرحمان، بدر مشعشع.

ـ در زمینهٔ امام عصر ارواحنا فداه: جنّة المأوی، نجم ثاقب، کشف الاستار.(همان، ص ۱۳۷ـ۱۵۶)

شیخ عباس قمی، شیخ آقا بزرگ تهرانی، میرزا محمد ارباب قمی، شیخ محمد باقر بیرجندی، شیخ علی اکبر نهاوندی، شیخ فضل الله نوری، میرزا محمد تهرانی عسکری، میرزا ابوالفضل تهرانی و شیخ علی زاهد قمی، گروهی از تلامذهٔ محدث نوری بودند البته کسانی که از آن بزرگوار، اجازهٔ روایتی داشتند، بسیارند. (همان، ص ۷۵ ـ ۹۳)

۳ ـ ۱. دربارهٔ سید ناصر حسین نیشابوری لکهنوی

سید ناصر حسین در ۱۹ جمادی الثانیه ۱۲۸۴ متولد شد. پدرش علامه سید میر حامد حسین (صاحب آثار ارزشمند وجاودانه همچون عبقات الانوار)، عموهایش: سید اعجاز حسین (صاحب کتاب کشف الحجب والأستار) و سید سراج حسین، ونیز جدّش: علامه سید محمد قلی کُنتوری (صاحب کتاب تشیید المطاعن) همه، از بزرگترین دانشمندان شیعه در دیار هند بودند.

سید ناصر حسین، نزد پدرش و مفتی محمد عباس و جمعی دیگر از دانشمندان علم آموخت. علاوه بر تکمیل زحمات پدر بزرگوارش در تألیف «عبقات الانوار» وتدوین برخی از مجلّدات پس از وفات ایشان، آثاری در فضائل اهل بیت علیهم‌السلام نگاشت، از جمله: ماظهر من الفضائل لأمیر المؤمنین علیه‌السلام یوم خیبر، اثبات ردّ الشمس لأمیر المؤمنین علیه‌السلام، وکتابهای دیگر.

وی در روز اول ماه رجب ۱۳۶۱ هجری قمری دیده از جهان بست و بنا به وصیت خودش، در جوار عالم مجاهد شهید و مدافع مخلص دین حق، قاضی نورالله شوشتری در شهر «اگره» هند دفن شد.

برادرش سید ذاکر حسین، و فرزندش سید محمد سعید نیز علاوه بر کمک در تکمیل مجموعهٔ ارزشمند «عبقات الانوار»، آثاری مستقل به نگارش در آوردند. (خلاصه عبقات الانوار، مجلد حدیث ثقلین، ص ۱۲۷ـ۱۳۰)

۴ ـ ۱. توضیحی کوتاه در مورد این نامه‌ها

فصلی مشبع از عمر ۶۶ سالهٔ محدث نوری در سیر و سفر گذشت. این سفرها، عمدتاً برای دستیابی به کتابهای شیعهٔ امامیه، شناسایی، تحقیق، مقابله وتصحیح آنها سپری شد .مرحوم نوری، از این جهت و جهات دیگر، به سلف صالح خود مرحوم میرزا عبدالله افندی اصفهانی صاحب کتاب «ریاض العلماء» شباهت دارد.

بااین همه، بخشی از این کار را توسط مکاتبه وارتباط علمی با شخصیت‌های بزرگ شیعی انجام می‌داد. در همین جهت، مکاتبات فراوانی میان محدث نوری با علامه میر حامد حسین انجام شد، که بخشی ازنامه‌های مرحوم نوری به دست آمده و منتشر شده است.

وی در یکی از این نامه‌ها می‌نویسد: «حقیر، غالباً در صدد تحصیل کتب قدیمهٔ فرقهٔ

ناجیه‌ام، لهذا بحمدالله بسیاری به دست آمد، خصوص از اخبار وتفسیر...» (مختاری، جمع پریشان، ص ۵۲۴)

وی، جهاد عظیم صاحب عبقات الانوار را که برای دفاع از امامت بود، خدمت به «اُسّ اسلام» می‌داند و آرزو می‌کند که بتواند در آن کار، مشارکت داشته باشد، چنانکه در نامهٔ دیگر می‌نویسد:

«چه عرض کنم که چه اندازه متحسّرم از عجز از خدمت واعانت جنابعالی که خدمت به اُسّ اسلام است. در این مدّت تحصیل کتب، کمتر به فکر تحصیل آن رقم کتب بودم. تمام همّ در پیداکردن کتب قدما بوده والاّ میسّر بود....» (همان، ص ۵۲۹)

مرحوم نوری برای تهیهٔ این کتابها، زحمات عجیبی کشید.در یکی از نامه‌ها به میر حامد حسین می‌نویسد:

[کتاب] «نقض عثمانیهٔ» ابن طاووس به زحمت، محلّش پیدا شد در دست غیر اهلش. هر تدبیر کردم در آن چند روز، به وصالش نرسیدم .باز بعضی را معیّن کردم که بگیرند. خداوند، این خلق را انصاف و شعور کرامت فرماید. ضعف دین تابه اینجا رسیده که درجوارامیرالمؤمنین علیه‌السلام، شخصی از اهل علم، از کتابی که در آن تقویت دین است، مضایقه می‌کند. جنابعالی به همّت عالیه میل دارید که از بلاد بعیده تحصیل کتب مناقب شود! (همان، ص ۵۲۶)

مدّتی پس از آن، در نامه‌ای دیگر می‌نویسد: کتاب «نقض عثمانیه» هنوز در طلسم است. شرحش طولانی است. امیدوارم آخر به دست بیاید.خداوند به این خلق انصاف بدهد. از قرار مذکور، صاحب این کتاب، کتابخانهٔ معتبری دارد که همه از نسخ کهنهٔ قدیمه، [اند]، واحدی به آنها راه ندارد، و ابداً به سطری از آنها منتفع نمی‌شود». (همان، ص ۵۳۸)

در نامه‌ای دیگر در مورد کتابی دیگر می‌نویسد: «خصائص العلویه هنوز به دست نیامد. در بغداد هست نزد خبیثی ناصبی. چندین نفر متعهّد شدند به تدبیری بگیرند، هنوز میسّر نشد» (همان، ص ۵۳۹)

امّا تلاش او، منحصر به یافتن نسخه‌ها نبود. در نامه‌ای دیگر به تاریخ ۴ شوال ۱۳۱۷، محدث نوری می‌نویسد که برای ۲۴ حدیث از ۱۰۰ حدیث کتاب «مناقب مائة» ابن شاذان ـ که تمام احادیث آن مرسل است ـ سند پیدا کرده و آن احادیث را از حالت ارسال

خارج کرده است (مظفر حسین، سواطع الانوار، ص ۹۱ ـ ۹۳)[۱]

در همان نامه، مرحوم نوری از کتاب «الدمعة الساکبة» سخن می‌گوید که مرحوم مولی محمد باقر کتابفروش بهبهانی، بادستورالعمل و اعانت ایشان نوشته و محدث نوری به چاپ آن کمک کرده است. (همان)

این همه تلاش، درحالی است که محدث نوری در مسیر این خدمت، سخت تنها است واز این تنهایی شکوه می‌کند:

«داعی را ابداً مُعینی به قدر پیدا کردن یا نوشتن یاتصحیح یک خبر نیست .تمام اینها را ـ مضافاً الی تحصیل اصل کتاب با هزار زحمت ـ خود باید بکنم. و بااین حال راضی ام که آسوده باشم و میسّر نمی‌شود.و این باآن خیال جنابعالی خیلی تباین دارد.عصر، اگر عصر صفویه بود، معلوم می‌شد.والحمدلله علی کل حال و الی الله المشتکی و علیه الإتکّال» (مختاری، جمع پریشان، ص ۵۲۹)

در نامهٔ دیگر می‌نویسد:

«از رسالهٔ کافیهٔ شیخ مفید، تا حال چند نفرند که ملتزم شدند بفرستند. هنوز

---

۱ ـ «سواطع الانوار فی تفریظات عبقات الانوار» مجموعه‌ای است از نامه هایی که بزرگان امامیه در قرن سیزدهم و چهاردهم به میر حامد حسین و سید ناصر حسین نوشته‌اند.این مجموعه را سید مظفر حسین گردآورده و در سال ۱۹۰۵ میلادی به چاپ رسانده است .دراین مجموعه، نامه هایی از شخصیت‌های زیر می‌توان دید:

شیخ زین العابدین مازندرانی، میرزا محمد حسن شیرازی، ملا محمد مهدی عبدالربّ آبادی، میرزا حسین نوری، سید حسین طباطبایی یزدی، میرزا محمد حسین شهرستانی، میرزا ابوالفضل تهرانی، ملامحمد باقر دهدشتی، ملا اسدالله خویی، آقا حسن کازرونی، آقا عبدالله همدانی، سید محمد شریف خراسانی، میرزا جواد سبزواری، ملامحمد حسین سلطان آبادی، سید محمد باقر قزوینی حائری، سید جعفر طباطبایی حائری، میرزا علی اکبر شیرازی، میرزا محمد همدانی، سیداسماعیل صدر، شیخ محمد حسین مازندرانی، شیخ علی مازندرانی، شیخ علی خراسانی مشهدی، آقا محمد باقر بهبهانی همدانی، سید ریحان بروجردی موسوی، شیخ الشریعه اصفهانی، سید حسین حائری (فرزند صاحب ضوابط)، سید ابراهیم بن هاشم قزوینی .

این مجموعه، خود، دانشنامه‌ای از رجال قرن سیزدهم و چهاردهم است. بعلاوه، میزان ارتباط میان علمای حوزه‌های علمیهٔ ایران وعراق با هندوستان رادر آن زمان نشان می‌دهد. فوائد تاریخی، ادبی، کتابشناسی و... که دراین نامه‌ها دیده می‌شود، فراوان است.

نفرستادند. وضع خلق برگشته وباب اعانت بر برّ و تقوا مسدود. داعی با یَد واحدةٍ جذّاء» (همان، ص ۵۳۳)

شیخ آقا بزرگ تهرانی از استاد خود چنین نقل می‌کند:

«من درحالی می‌میرم که حسرتی در دل من باقی مانده است و آن اینکه در این سال‌های آخر عمر، کسی ندیدم که به من بگوید: فلانی! این مقدار مال را بگیر و برای قلم و کاغذت خرج کن، یا با آن کتاب بخر، یا آن را به کاتب بده تا درکارهای تألیفی به تو کمک کند» (علامه محدث نوری، ص ۱۸۵)[۱]

باوجود تمام این دشواری‌ها، محدّث نوری، ارتباط علمی خود را با دیار هند ادامه داد، و پس از رحلت علامه میر حامد حسین، همچنان بافرزند دانشمند وخلف صالح او، مرحوم سید ناصر حسین مراودهٔ علمی داشت. این ارتباط، یقیناً در تکمیل موسوعهٔ عظیم «عبقات الانوار» مؤثر بود.بدین سان، برگ زرین دیگری در کارنامهٔ باقیات صالحات هر دو دانشمند بزرگوار، رقم خورد.

این سه نامه، گوشه‌ای از این مراودات را نشان می‌دهد، که در آنها، خلوص، ایثار، مجاهده، صبر، دین باوری، دفاع از مرزهای آیین استوار الهی ـ ودر یک کلام، عمل به علم صحیح ـ را می‌توان دید.

به عبارت دیگر، این سه نامه، می‌تواند مکمّل مجموعهٔ نامه‌های محدث نوری به میر حامد حسین (در نشریه نور علم) ونیز مجموعهٔ نامه‌های موجود در کتاب «سواطع الانوار» باشد.

پژوهش‌های اهل تحقیق در مورد این گونه اسناد، ابواب جدید در جهت شناخت کتابشناسی شیعی می‌گشاید.

---

۱ ـ نمونه‌ای از این تنهایی محدث نوری در تهیهٔ کتاب را، مرحوم آیة الله میرزا هادی خراسانی حائری ـ از تلامذهٔ ایشان ـگزارش می‌کند که در سفری از سامرا به کربلا می‌آید تادو کتاب مورد نظر خود را تهیه کند. پس از توسّل به امام سیدالشهداء علیه السلام، آن دو کتاب را نزد یک دستفروش در نزدیک حرم می‌یابد، که در ازای آنها ۲۲ قَران از مرحوم نوری می‌خواهد. مرحوم نوری، برای تهیهٔ آن دو کتاب علاوه بر پرداخت هزینهٔ سفر، عبا وعمامه و قبا وحتّی کفش پای خود رامی فروشد. آنگاه با خوشنودی تمام از دست یابی به دو کتاب، درگوشهٔ حرم می‌نشیند، تا جمعی از دوستداران ایشان با تهیهٔ لباس و خرج سفر، ایشان را به سامرا باز می‌گردانند. برای تفصیل، بنگرید به کتاب علامه محدث نوری، ص ۳۳۴ ـ ۳۳۶.

این مقدمه را با سخن یکی از پژوهشگران معاصر به پایان می‌بریم :

«این بزرگان در زمان خود، با نبود امکانات و خون دل خوردن بسیار وتلاش‌های طاقت فرسا، وظیفهٔ خود را به خوبی انجام دادند.ولی امروزه همهٔ امکانات برای کارهای علمی و خدمت به تشیع....مهیّاست... و اگر امروز، از این فرصت طلایی برای معرفی تشیع به جهان استفاده نکنیم، بدون تردید فردا مسئول خواهیم بود» (مختاری، طرح تدوین کتابشناسی بزرگ شیعه، ص ۱۰۵ ـ ۱۰۶)

۲ ـ متن نامه‌ها

نامهٔاول [۱] *

بسم الله الرحمن الرحیم

معروض میدارد.مدّت‌ها است که عازم مزاحمت و تصدیعم، توفیق مساعدت نمی‌کند.و پیوسته اَعذار داخلیه وخارجیّه و نفسانیه وجسدانیّه، موجود [است]. و عمده، همان خذلان وبی سعادتی است که...نشود. گاه گاه خود رامذکور خاطر عاطر کرده، یادی ازلطف‌ها و محبتّ‌های مرحوم خلد آشیان [۲] ـ که لذّت آن هنوز در کام است ـ نمود.

با همه این اَعذار، معترف به تقصیر ومستدعیِ عفو و صفح.

فإنّک من اهل بیت قیل فیهم ملکنا، فکان العفو منّا سجیّة

خطوط شریفه رسید.خطّ مورّخ ۱۲ ربیع الآخر، در اوائل ماه مبارک رسید.

مستدعی [است] که هر وقت بنای یاد آوری و بنده نوازی است، در ظهر خط بنویسید: «در بغداد، به توسّط عمدة التجّار حاجی محمد اسماعیل تاجر مازندرانی یا عمدة الأعیان آقا محمد هاشم تاجر شیرازی در سامره، به فلان برسد».

خطوطی که در بالیوذ خانه [۳] می‌آید از آن صفحات، می‌ماند تا صاحبانش بروند بگیرند. حقّ رساندن به بلاد دیگر ندارند. خطّ می‌ماند که اربابش نمی‌دانند، مگر کسانی که معهود باشند.

جناب حکیم محمد مهدی صاحب [۴] ـ سلّمه الله ـ بااعجب حالت، در کربلای معلی ملاقات شد. وعدهٔ مفّصل در نجف اشرف، مواظب گذاشتم که ایشان را بیاورد خانه.

---

* ـ توضیح ذیل این شماره‌ها، در بخش سوم (تعلیقات) خواهد آمد.

دیگر نشد تا وارد سامره شدم. معلوم شد مراجعت کردند. نه در راه ونه در منزل. بسیار متأسف شدم. سلام به ایشان برسانید.

جلد «طیر» عبقات الانوار ـ که یطیر به طیرُ النَّفسِ إلی أعلی غُرفات الجنان ـ رسید. چشم ودل را قوّت و نور بخشید.

از وصول کتاب دارالسلام و کتاب نجم ثاقب مرقوم نفرمودید. در عرفهٔ گذشته خدمت جناب راجه باقر حسین خان ـ سلّمه الله تعالی ـ دادم که به معرفت امینی بفرستد..از قرار فرمودهٔ ایشان در ماه صفر روانه شد.امید [است که] رسیده [باشد]، و درخط فراموش شده ذکر آن.

نصف جلد «نور» عبقات، که تا صفحهٔ ۵۰۰ می‌باشد، در اول طبع، مرحوم والد طاب ثراه ارسال داشتند. پس از ارسال جنابعالی نسخهٔ تمام آن را، به بعضی از مخلصین دادم و حال ناقص است.تتمّهٔ آن [را] چنانچه ارسال فرمایید، نهایت مرحمت است. و نیز از هر جلد، هر چه میسّر شود، که جماعتی از ایران و اینجا نظر به حقیر دارند و مطالبه می‌کنند.

«نجم ثاقب»، اگر پسندیده شد و از دوستان طالب باشند، اعلام فرموده، بلکه از ایران بتوان تحصیل کردکه از آنجا بفرستند.

«مناقب» این مغازلی (۵) را بسیار طالبم .اگر میسّر شود استنساخ آن، بسیار ممنون می‌شوم. و چنانچه نسخه بخواهید، در خدمات حاضر، بی کلفت نویسانده، ارسال می‌شود.

خطّی که پس از فوت مرحوم مغفور (۶) ـ اعلی الله تعالی درجته ـ به جناب مستطاب آقای حجة الاسلام (۷) ـ دام ظلّه ـ نوشتید، نرسیده تاحال، جز خطی که با جانب حکیم محمد مهدی بود. متعجّب شدند از مطالبهٔ جواب، با آنکه خطّ تعزیتی که فرستادند، جواب آن نرسیده بود.

به هرحال،مقام محبّ تولطف ایشان واخلاص وارادت حقیر،خارج ازاندازه [است]. بسیاری از مجالس می‌گذرد به ذکر شکر... مرحوم مغفور، قدّس الله تعالی نفسه، والخلف الصالح أیّده الله تعالی.

از دیر شدن خطّ و نرسیدن، دلتنگ نباشید. و نتیجهٔ کلّیهٔ آن مقام دعا است که بحمدالله تعالی در مظانّ اجابت، نسیان نشد.

چون ایام صیام است مجال خطه از ایشان نشد. هم صائم و هم مشاغل حاج ، مانع

[است]. انشاء الله تعالی پس از عید، جواب خطّ ایشان ارسال خواهد شد.

اعزّ اکرم وآقای معظّم و روح مجسّم وعالم عَیلَم سیّد ذاکر حسین [۸] ایّده الله تعالی رادعا برسانید. امید [آنکه] در اشتغال، فتور و قصوری ندارند. جعلکما الله تعالی ممّن شیّد بهم الدین ونصر بهم المسلمین و قمع بهم شوکة الملحدین بمحمد و آله صلی الله علیهم اجمعین.

من العبد المذنب حسین النوری فی ۲۷ شهر رمضان.

[سجع مهر: قال محمد صلی الله علیه و اله: حسین منی وانا من حسین].

نامهٔدوم

بسم الله الرحمن الرحیم

به عرض می‌رساند که امسال، علاوه بر مشاغل مستمرّهٔ داخلیّه و خارجیّه، ابتلائات جدیدهٔ عامّهٔ طامّه پیدا شد که اوقات را مستغرق کرد. لهذا معتذرم از طول کشیدن اظهار حیات واخلاص و ابلاغ تحیت وسلام و دعاگویی. ولکن هرگز از خاطر محو نشده، پیوسته مترقّب وقت ومترصّد وسیله که به مختصری خود را مذکورِ خاطرِ عاطر نمایم.

اجمالاً حالت وعمل دعاگو، بالنسبة به جناب عالی ـ اگر روزگار خیانت نکند و فِتَنِ حادثه مجال دهد ـ همان عمل با مرحوم والد علاّمه ـ رفع الله فی الخلد اعلامه ـ است. نسأل الله تعالی التوفیق و المساعدة.

عجالةً نسخهٔ «الردّ علی المتعصب» ابن جوزی [۹] نسخه شده، اِنفاذ حضور شریف شد.در اینجا کاتب نیست، استنساخ میسّر نمی‌شود. چنانچه مشرّف شوم در کربلای معلّی یا نجف اشرف باید به دست آورد. کتاب «کافیهٔ» شیخ مفید [۱۰] [را]این ایّام، از ایران آوردند. قدری مغلوط است. انشاء الله تعالی در این ماه‌های شریفه که مشرّف شدم، به همراه می‌برم، بلکه نسخه به آنجا برسد.

«مناقب» ابن مغازلی هر قدر باشد، خوب است. چند نسخه بنا بود از یزد برسد، هنوز نرسیده. انشاء الله بعد از رسیدن نسخه ارسال می‌شود. «اربعین» خوارزمی [۱۱] است و «مثالب» ابن شهر آشوب [۱۲] جنابعالی .

هر وقت میسّر شود، از سلامتی مزاج شریف اطّلاع بدهید که از مقاصد مهمّه است.

خدمت جناب علّام الأخ الأعزّ الأرشد وسیّدنا المؤیّد مولوی ذاکر حسین ایّده الله سلام برسانید. دعاگو هستم.

ادام الله تعالی أیّام سعادتکم و إفادتکم، و أعلی کعبکم و رفع ذکرکم، بمحمد و آله صلوات الله علیهم اجمعین.

من العبد حسین النوری فی ۲۵ جمادی الآخرة سنة ۱۳۰۹.

نامهٔ سوم

بسم الله الرحمن الرحیم

معروض می‌دارد.امسال به جهت حدوث فِتنِ عظیمه و بلیّهٔ عامّه و بدعت دخانیه [۱۳]، وصرف اوقات در قمع و قلع آن ـ مضافاً إلی سائر الحوادث المشغلة المفرّقة للحواسّ ـ از فیض مکاتبت محروم، و به غایت مستحسر ومتأسّف، و از علائم سوء حظّ و خذلان خود دانسته ؛ گاه گاه به دعا و سلام مخصوص در تحت قباب عالیه جبران نموده، خود راتسلّی می‌دادم. مرجوّ از صفای طویّت وطیب طینت، که حمل بر غفلت و تطرّق خلل در بنیان اخلاص نشود.

امسال به درک زیارات مخصوصه در ماه رجب و شعبان، به کربلای معلی و نجف اشرف مشرّف شدم. پس از مراجعت، جناب مستطاب آقای حجة الاسلام [۱۴] دام ظلّه مذکور داشتند که از جنابعالی، خطّی و چند جلدکتاب رسیده، نزد ایشان است. پس از زیارت خطّ شریف ودیدن کتب، معلوم شد تتمّهٔ «جلد نور» در آنهانبود. همان پنج جلد «طیر» [۱۵] و کتاب شریف «کشف الحجب» [۱۶] بود. بسیار ممنون و شرمنده شدم. **جعلک الله تعالی خلفاً صالحاً للسالفین الصالحین، الذین أناروا الدین و بذلوا المُهَج فی إیضاح المنهج.**

امّا هزار حیف که کتاب شریف «کشف»، ناقص و غیر واقعی است .و مظنون که مثل موجود را بتوان بر آن افزود. **نسأل الله تعالی أن یوفّقنی لتکمیله أویؤیّدکم لاستدراک ما فات منه.**

در دو ماه قبل تقریباً کتاب «مآثر الآثار» [۱۷] طبع طهران به جهت ذکر علمای عصر، در بعضی از ابواب آن ارسال خدمت شد.انشاء الله تعالی رسیده.

در هفتهٔ گذشته به توسط مأمورین بالیوذ اِنگریز در بغداد، خطّ شریف جدید با خطوط دیگر رسید. در وقتی که حسب الأمر جناب مستطاب آقای حجة الاسلام ـ مدّ ظلّه ـ مراسله به جنابعالی نوشته شده که حال درجوف است. چون به جهت عارضهٔ کسالتی [که] در مزاج داشتند، زیاده از ضعف و نقاهت دائمیّه، مجال قرائت این خطّ ونوشتن جواب نشد. و به جهت حدوث مرض عامّ و باء در غالب ایران ـ خصوص در

طهران که در ظرف چهل روز تقریباً، قریب بیست هزار نَفْس تلف شد ـ رشتهٔ امور فی الجمله مختلّ و اجزای دولت، متفرّق [اند] مکاناً و حواسّاً. لهذا فی الجمله تأمّلی باید کرد که بعد از ارسال، زحمت عبث نشود. خداوند تبارک و تعالی اعانت فرماید که این خدمت به انجام برسد. سلام تامّ خدمت جناب مستطاب قدوة اولی الألباب، آقا سید محمد صاحب حاذق (۱۸) ـ وقاه الله تعالی شرّ البوائق ـ سلام برسانید. وهم چنین خدمت اعزّ أکرم الأخ الأمجد، مولانا سید ذاکر حسین ایّده الله سلام برسانید.

جعلکم الله تعالی فی کنف حمایته ورعایته.

حررّه العبد حسین النوری فی لیلة السابع عشر من الربیع الأوّل سنة ۱۳۱۰.

[روی پاکت نوشته‌اند:

لکهنو ـ محلّهٔ نخاس.

به شرف مطالعهٔ جناب مستطاب فاضل نحریر، نقّاد بصیر، مضطلع خبیر، السیّد الجلیل، العالم النبیل، نادرة دهره وعزیز مصره، سلالة النوامیس، مولوی سید ناصر حسین دام تأییده، ابن علّامة الزمان و اعجوبة الدهر الخوّان، مولوی حامد حسین طاب رمسه... ۲۴۶۸ ـ ۱۹ ربیع المولود]

۳ ـ تعلیقات

۱) این نامه تاریخ ندارد .امّا از متن آن بر می‌آید که به فاصلهٔ کوتاهی پس از رحلت علامه میر حامد حسین (۱۲۴۶ ـ ۱۳۰۶) نوشته شده است. به همین جهت، آن را قبل از دو نامهٔ دیگر آوردیم.

۲) اشاره به علامه میر حامد حسین صاحب عبقات الانوار

۳) این نام در آن زمان بر ادارهٔ پُست اطلاق می‌شد.

۴) از علمای قرن ۱۳ و ۱۴.

۵) «مناقب امیر المؤمنین علیه السلام» نوشتهٔ ابوالحسن علی بن محمد شافعی واسطی مشهور به «ابن مُغازلی» (م ۴۸۳ ق.)، از بزرگان مالکیّه، که بارها به چاپ رسیده و ترجمهٔ فارسی آن نیز منتشر شده است. بنگرید: طباطبایی، اهل البیت فی المکتبةالعربیة، ص ۵۷۸ ـ ۵۸۴؛ دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۳۶۹ ـ ۳۷۰، مدخل «ابن مغازلی» .

۶) اشاره به علامه میرحامد حسین .

۷) اشاره به مرحوم آیت الله میرزا محمد حسین شیرازی. باید دانست که «حجة

الاسلام» در آن زمان، فقط برای مرجع تقلید وزعیم شیعیان به کار می‌رفت.

۸) سیّد ذاکر حسین، برادر میر حامد حسین، از بزرگان علمای هند، وادیب وشاعر بود. نزد جمعی ـ ازجمله برادر خود سید ناصر حسین ـ درس خواند. علاوه بر کمک به میر حامد حسین درتألیف عبقات الانوار، خود نیز کتاب «الادعیة المأثورة» رانوشت که در هند ـ باتقریظ سید ناصر حسین ـ چاپ شد. دیوان شعری به فارسی و عربی نیز از او باقی مانده است. (میلانی، خلاصه عبقات الانوار، مجلد حدیث ثقلین، ص ۱۳۱).

۹) «الرّد علی المتعصّب العنید المانع من ذمّ یزید» نوشتهٔ ابوالفرج عبدالرحمن بن علی مشهور به ابن جوزی حنبلی بغدادی (متوفی ۵۹۷ ق) است که در سال ۵۸۰ ق .در پاسخ به ادّعای عبدالمغیث بن زهیر حنبلی بغدادی و رسالهٔ اودر دفاع از اعمال یزید اموی نوشت. ابن اثیر در کتاب الکامل، و ذهبی درکتاب العبر ونیز کتاب سیر اعلام النبلاء، ضمن شرح حال عبدالمغیث، رساله او را آکنده از روایات جعلی شناسانده‌اند. ابن جوزی، درکتاب یاد شده، ثابت کرده که لعن یزید به دلیل جنایات او، جایز است. این کتاب، با تحقیق شیخ محمد کاظم محمودی در بیروت چاپ شده است. بنگرید: طباطبایی، اهل البیت فی المکتبة العربیة، ص ۱۹۲ ـ ۱۹۷.

۱۰) «الکافیة فی ابطال توبة الخاطئة» از آثار گرانقدر شیخ مفید، در بارهٔ عایشه. در بارهٔ آن، بنگرید: الذریعه، ج ۱۷، ص ۲۴۸؛ تراثنا، شمارهٔ ۳۰ ـ ۳۱، ص ۷۸ ـ ۸۲؛ مصنفات الشیخ المفید، ج ۶.

۱۱) «الاربعین فی فضائل امیرالمؤمنین علیه‌السلام» نوشتهٔ اخطب خوارزم، ابوالمؤیّد موفق بن احمد مکّی خوارزمی (۴۸۴ ـ ۵۶۸ ق).

وی در کتاب «مقتل الحسین» خود، از اربعین یاد کرده است. ابن شهر آشوب، محّدث شهیر شیعه (متوفی ۵۸۸ ق.) این کتاب رااز مؤلف آن روایت کرده است .بنگرید: طباطبایی، اهل البیت فی المکتبة العربیة، ص ۳۴ ـ ۳۵.

۱۲) «مثالب النواصب» نوشتهٔ محدث بزرگ قرن ششم، ابن شهر آشوب مازندرانی، صاحب کتاب «مناقب آل بی طالب». در بارهٔ آن، بنگرید الذریعه، ج ۱۹، ص ۷۶.

۱۳) اشاره به قضایای تحریم تنباکو، از آنجا که محدّث نوری بسیار مورد اعتماد میرزای شیرازی بود، نقش مهمّی درماجرای تنباکو داشت، گرچه مورّخان کمتر به آن اشاره کرده‌اند. ر.ک. ابوالحسنی، پایداری تا پای دار، ص ۲۲۹؛ طالعی، علامه محدث نوری، ص ۱۸۳ ـ ۱۸۵.

۱۴) اشاره به میرزای شیرازی

۱۵) اشاره به مجلد حدیث نور ومجلد حدیث طیر، از کتاب نفیس عبقات الانوار.

۱۶) کشف الحجب والاستار عن وجه الکتب والأسفار»، از آثار سید اعجاز حسین (۱۲۴۰ ـ ۱۲۸۶ ق.) برادر میر حامد حسین است. مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب «طبقات اعلام الشیعه»می‌نویسد: این کتاب، فهرستی از کتب شیعه است که تنها بخش اندکی از آنها راگزارش کرده است [دقیقاً ۳۴۱۴ کتاب، مقایسه شود با الذریعه با بیش از ۵۵۰۰۰ کتاب]...لذا استاد بزرگ ما علامه نوری، او را از انتشار آن کتاب منع کرد، مبادا بیگانگان فکر کنند که تألیفات شیعه، منحصر به همین عدد است. وی نسخه‌ای از کتاب خود را در سفری به نجف، به محدث نوری تقدیم کرد .امّا یکی از نوادگان او [محمد هدایت حسین] آن رادر سال ۱۳۳۰ در کلکته به چاپ رسانید. (ر.ک. میلانی، خلاصه عبقات الانوار، مجلد حدیث ثقلین، ص ۱۲۶) .در سالهای اخیر، همان چاپ به گونهٔ افست، توسط کتابخانه آیة الله مرعشی در قم تجدید چاپ شد.

برای توضیح بیشتر در مورد این کتاب و درونمایه آن، بنگرید: مختاری، طرح تدوین کتابشناسی بزرگ شیعه، مقالهٔ «کشف الحجب و الاستار»، ص ۱۹ ـ ۲۶.

۱۷) «المآثر و الآثار» از کتب اعتمادالسلطنه که به شیوهٔ دانشنامه در زمان قاجار نوشته مرجع بسیاری از تحقیقات مربوط به قرن ۱۳ و ۱۴ قرار گرفته است. در بارهٔ آن، ر.ک. الذریعه، ج ۲۰، ص ۷ ـ ۸.

۱۸) ظاهراً او همان دانشمندی است که محدّث نوری در یکی از نامه‌های خود به میر حامد حسین، از او باعنوان «جناب مستطاب شامخ الألقاب آقا سید محمد کابلی متخلّص به حاذق» نام می‌برد. (مختاری، جمع پریشان، ص ۵۳۵).

منابع :

ـ تهرانی، آقا بزرگ، الذریعة الی تصانیف الشیعة. تهران: اسلامیه، ۲۶ جلد.

ـ طالعی، عبدالحسین (باهمکاری محمد حسین صفا خواه)، علامه محدث نوری ـ تهران، ابرون، ۱۳۷۸ ش .

ـ طباطبایی، سید عبدالعزیز، اهل البیت علیهم‌السلام فی المکتبة العربیة. قم، مؤسسة آل البیت، ۱۴۱۷ ق.

ـ مختاری، رضا(با همکاری سیّد ابوالحسن مطلبی)، نامه هایی از محّدث نوری به

میرحامد حسین رضوان‌الله علیهما.در نشریه نور علم، چاپ قم، شماره ۴۸، ص ۸۶ ـ ۱۰۸.

[توضیح اینکه این مقاله را به نام‌های مستعار ابوحسن رضوان شهری و حسن فخر الشریعه منتشر کرده بودند. و سپس در دو کتاب که پس از این می‌آید، به این مقاله اشاره کردند].

ـ مختاری، رضا، جمع پریشان، دفتر اول، قم: دلیل ما، ۱۳۸۲ ش .[گفتار ۳۰، ص ۵۲۳ ـ ۵۴۰]

ـ مختاری، رضا، طرح تدوین کتابشناسی بزرگ شیعه. قم: مرکز بررسی‌های اسلامی الغدیر، ۱۳۷۶ ش.

ـ سید مظفر حسین، سواطع الانوار فی تقریظات عبقات الانوار. چاپ سنگی، لکهنو: ۱۳۲۳ ق = ۱۹۰۵ م .

ـ میلانی، سیدعلی، خلاصه عبقات الانوار، مجلد حدیث ثقلین، ترجمه: سید حسن افتخارزاده. تهران: نبأ، ۱۳۸۱ ش .

ـ نوری، میرزا حسین، آداب زیارت، تصحیح وتحقیق: عبدالحسین طالعی ومحمد حسین صفاخواه .تهران: ابرون، ۱۳۷۸ ش.

نامه اول

نامه دوم

نامه سوم